

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید مردانی به مردان دیگر ریشخند زنند، شاید آنان نزد خدا از اینان بهتر باشند،

وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ

ترجمه: و نباید زنانی به زنان دیگر ریشخند زنند، شاید آنان نزد خدا از اینان بهتر باشند،

وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِنَسِ الْأَسْمِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ

ترجمه: و از یکدیگر عیب جویی نکنید و یکدیگر را با لقب ها و عنوان های بد یاد مکنید. آلوده شدن به گناه [یاد کردن مردم به بدی] پس از ایمان آوردن آنان نارواست،

وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛

ترجمه: و کسانی که از این گناهان توبه نکنند آنان ستمکارند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، از گمان های بد درباره دیگران بپرهیزید، چرا که پاره ای از گمان ها گناه است،

وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

ترجمه: و درصدد کشف عیوب مردم برنیایید، و یکدیگر را غیبت نکنید آیا یکی از شما دوست دارد گوشت برادرش را که مرده است بخورد؟ از آن کراهت دارید و از خدا بترسید که خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.

قد يكون بين الناس من هو أحسن منا، فعلينا أن نبتعد عن العجب و أن لا تذكر عيوب الآخرين بكلام خفي أو بإشارة. فقد قال أمير المؤمنين علي «أكبر العيب أن تعيب ما فيك مثله».

ترجمه: گاهی میان مردم کسی هست که از ما بهتر است، پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب های دیگران را با سخنی پوشیده، یا با اشاره یاد نکنیم. امیر مؤمنان علی " فرموده اند: بزرگترین عیب آن است که عیبی بجویی که مانند آن در خودت هست.

تنصحننا الآية الأولى و تقول: لا تعيبوا الآخرين؛ و لا تلقبولهم بالأقاب يكرهونها. بنس العمل الفسوق؛ و من يفعل ذلك فهو من الظالمين.

ترجمه: آیه نخست، ما را اندرز می‌دهد و می‌گوید: عیب جویی دیگران را نکنید و به آنان لقب هایی که ناپسند می‌دارند ندهید. آلوده شدن به گناه بد است و هرکس چنین کند در این صورت از ستمگران است.

إذن فقد حرم الله تعالى في هاتين الآيتين:

ترجمه: بنابراین، خدای بلندمرتبه در این دو آیه حرام ساخته است:

الاستهزاء بالآخرين، و تسميتهم بالأسماء القبيحة.

ترجمه: ریشخند زدن به دیگران، و نامیدن آنها با اسم های زشت.

سوء الظن، و هو اتهام شخص لشخص آخر بدون دليل منطقي.

ترجمه: بدگمانی، و آن، اتهام زدن کسی به کسی دیگر بدون دلیلی منطقی است.

التجسس، و هو محاولة قبيحة لكشف أسرار الناس لفضحهم و هو من كبائر الذنوب في مكتبنا و من الأخلاق السيئه

ترجمه: جاسوسی، و آن، تلاشی زشت برای آشکار ساختن رازهای مردم برای رسوا کردنشان که این کار در آیین ما از گناهان بزرگ است؛ همچنین از اخلاق بد به شمار می‌رود.

و الغيبة، و هي من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس.

ترجمه: غیبت، و آن از مهمترین دلیل های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمَى بَعْضُ الْمُفْسِرِينَ سُورَةَ الْحَجَرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَاتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

ترجمه: برخی گزارندگان سوره حجرات را که در آن این دو آیه آمده، سوره اخلاق نامیده اند.

عَيْنَ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِ الدَّرْسِ. (ترجمه: درست و نادرست را بر حسب متن درس مشخص کن.)

۱- سَمَى بَعْضُ الْمُفْسِرِينَ سُورَةَ الْحَجَرَاتِ بِعُرُوسِ الْفُرَّانِ. X (برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.)

۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَاتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَ الْغَيْبَةَ فَقَطْ. V (خداوند فقط در این دو آیه ریشخند زدن و غیب را حرام کرده است.)

۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكَرَ أَخَاكَ وَ أُخْتَاكَ بِمَا يَكْرَهُانِ. V (غیبت آن است که از برادرت و خواهرت یاد کنی درباره آنچه ناپسند می دارند.)

۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْأَخْرِيِّينَ. V (همانا خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران بازمی دارد.)

۵- أَلْسَعِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْأَخْرِيِّينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. X (کوشش برای آگاهی از رازهای دیگران کار زیبایی است.)

اعلموا = بدانید

اسم التفضيل و اسم المكان

اسم تفضیل مفهوم برتری دارد و بر وزن (أفعل) در زبان عربی است.

اسم تفضیل معادل (صفت برتر) و (صفت برترین) است؛ مثال: **كبير**: بزرگ؛ **أكبر**: بزرگ تر، بزرگ ترین / **حسن**: خوب، **أحسن**: خوب تر، خوب ترین

آسيا أكبر من أوروبا. آسیا بزرگ تر از اروپا است.

آسیا أكبر قارات العالم. آسیا بزرگ ترین قاره های جهان است.

آسیا أكبر قارة في العالم. آسیا بزرگ ترین قاره در جهان است

جبل دماوند أعلى من جبل دنا. کوه دماوند بلندتر از کوه دناست

جبل دماوند أعلى جبال إيران. کوه دماوند بلندترین کوه های ایران است.

جبل دماوند أعلى جبل في إيران. کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

أفضل الناس أنفعهم للناس. بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.

■ گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل ها می آید:

أعلى: گران تر، گران ترین / أعلى: بلندتر، بلندترین / أقل: کمتر، کمترین / أحب: محبوب تر، محبوب ترین

■ مؤنث اسم تفضیل بر وزن (فعلی) می آید؛ مثال: فاطمة الكبرى: فاطمه بزرگ تر، زینب الصغرى: زینب کوچک تر

اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن (أفعل) می آید؛ مثال: فاطمة أكبر من زینب.

■ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن (أفعل) است؛ مثال: أرادل جمع أرذل و أفاضل جمع أفضل است. إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل.

■ هرگاه اسم تفضیل همراه حرف جر (من) باشد، معنای (برتر) دارد؛ مثال: هذا أكبر من ذلك. این از آن بزرگ تر است. و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای (برترین) دارد؛ مثال: سورة البقرة أكبر سورة في القرآن. سوره بقره بزرگ ترین سوره در قرآن است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

(خودت را بیازما: احادیث زیر را ترجمه کن؛ سپس خطی را زیر اسم تفضیل بگذار [بکش].)

۱- سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ اللَّهُ. قَالَ: **أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.**

(از پیامبر پرسیده شد: چه کسی دوست داشتنی ترین مردم نزد خداوند است. او گفت: سودمندترین مردم برای مردم.)

۲- **أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَيَّ** علمه. X (داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید.)

۳- **أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ.** (رسول الله) ✓ (برترین کارها کسب از راه حلال است.)

■ دو کلمه «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» علاوه بر اینکه به معنای «خوبی» و «بدی» هستند، می توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند؛ در این صورت، معمولاً بعد از آن حرف جرّ «مِنْ» است، یا به صورت «مضاف» می آید؛ مثال:

۱- **تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.** (رسول الله) ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

۲- **شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.** (امیر المؤمنین علی)

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

۳- **خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.** (امیر المؤمنین علی) بهترین کارها میانه ترین آنهاست.

۴- **حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.** به سوی بهترین کار بشتاب.

۱- حی: بشتاب

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. (ترجمه: خودت را بیازما؛ عبارات های زیر را ترجمه کن.)

۱- «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» المؤمنون: ۱۰۹

(پروردگارا؛ ما ایمان آوردیم پس ما را ببامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم کننده گانی.)

۲- خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عِيوبَكُمْ. (رسول الله)

(بهترین برادرانتان کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه کرد.)

۳- ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ القدر: ۳

(شب قدر از هزار ماه بهتر است.)

۴- مَنْ غَلِبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ

(هر کس شهوتش بر خردش چیره شد، پس او از چارپایان بدتر است.)

۵- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ. (بدترین مردم انسان دوروست.)

۱- **أهدى:** هدیه کرد ۲- **غلبت:** چیره شد

■ اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن **مَفْعَل** و گاهی بر وزن **مَفْعِل** و **مَفْعَلَة** است؛ مثال: **مَطْبَخ:** آشپزخانه؛ **مَصْنَع:** کارخانه؛ **مطعم:** رستوران؛ **ملعب:** ورزشگاه؛ **مطبعة:** چاپخانه؛ **مكتبة:** کتابخانه؛ **مَنْزِل:** خانه؛ **مَحْمِل:** کجاوه

جمع اسم مکان بر وزن «مفاعِل» است؛ مانند: مدارس، ملاعب، مطاعم و منازل.

أَخْتَبِرُ نَفْسَكَ: تَرْجِمُ الْأَيْتِينَ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيْنِ اسْمِ الْمَكَانِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

(ترجمه: خودت را بیازما: آیه و عبارت را ترجمه کن؛ سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱- ﴿... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾ النحل: ۱۲۵

(و با بهترین طریق با ایشان مناظره کن؛ همانا خدای تو (عاقبت حال) کسانی را که از راه او گمراه شده اند بهتر می‌داند.)

اسم تفضیل: **أَحْسَنُ؛ أَعْلَمُ**

۲- ﴿وَ الْأَخْرَجَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى﴾ (و آخرت بهتر و پایدارتر است.) **اسم تفضیل: خَيْرٌ؛ أَبْقَى**

۳- كانت مَكْتَبَة جندي سابور في خوزستان أكبر مَكْتَبَة في العالم القديم.

(کتابخانه گندی شاپور در خوزستان بزرگترین کتابخانه در جهان کهن بود.) **اسم مکان: مَكْتَبَة / اسم تفضیل: أكبر**

۱- **جادل:** ستیز کن ۲- **ضل:** گمراه شد

در گروه های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار = گفتگو

(في سوق مشهد) = در بازار مشهد

| | |
|---|--|
| بائع الملبس = فروشنده لباس | الزائرة العريية = زیارت کننده عربی |
| عليكم السلام، مرحباً بك. = درود بر شما. خوش آمدید. | سلام عليكم. = درود بر شما. |
| ستون ألف تومان. = شصت هزار تومان | كم سعر هذا القميص الرجالي؟ = بهای این پیراهن مردانه چند است؟ |
| عندنا بسعير خمسين ألف تومان. تفضلي أنظري. | أريد أرخص من هذا. هذه الأسعار غالية. = ارزان تر از این می خواهم. این قیمت ها گران است. |
| = قیمت پنجاه هزار تومان نیز داریم. بفرما؛ نگاه کن ابيض و أسود و أزرق و أحمر و أصفر و بنفسجي. | أي لون عندكم؟ = چه رنگی دارید؟ |
| = سفید، سیاه، آبی، قرمز، زرد و بنفش تبدأ الأسعار من خمسة و سبعين ألفا إلى خمسة و ثمانين ألف تومان. = قیمت ها از هفتاد و پنج هزار تومان شروع می شود تا هشتاد و پنج هزار تومان. | يكم تومان هذه القسائين؟ = این پیراهن های زنانه چند است؟ |
| ستتتي، يختلف السعر حسب النوعيات | الأسعار غالية! = قیمت ها گران است. |
| = باتوی من؛ قیمت بر اساس جنس تغییر می کند. | يكم تومان هذه السراويل؟ = این شلوارها چند است. |
| السراويل الرجالي يتسع ألف تومان و السراويل النسائي بخمسة و تسعين ألف تومان. = شلوارهای مردانه نود هزار تومان و شلوارهای زنانه نود و پنج هزار تومان. | أريد سراويل أفضل من هذه. |
| ذلك متجر زميلي، له سراويل أفضل. | = شلوارهای بهتر از این می خواهم. |
| = آن مغازه همکارم است؛ او شلوارهای بهتری دارد. | في متجر زميله ... = در مغازه همکارش. |
| صار المبلغ مئتين و ثلاثين ألف تومان. = مبلغ دویست و سی هزار توام شد. | رجاء، أعطني سروالاً من هذا النوع و ... |
| أعطيني بعد التخفيض مئتين و عشرين ألفاً. = پس از تخفیف دویست و ده هزار تومان به من بده. | = لطفاً، شلوازی از این نوع به من بده. |
| | كم صار المبلغ؟ = مبلغ چقدر شد؟ |

۱- سعير: قیمت «جمع: أسعار» ۲- نوعية: جنس ۳- متجر: مغازه ۴- زميل: همکار ۵- تخفيض: تخفیف

التمرين الأول: أي كلمة من كلمات معجم الدرس تناسب التوضيحات التالية؟

(ترجمه: چه کلمه ای از کلمه های لغتنامه درس مناسب توضیحات زیر است.)

- ۱- جعله حراماً: حرم (ترجمه: آن را حرام قرار داد.)
- ۲- الذي ليس حياً: ميت (ترجمه: کسی که زنده نیست.)
- ۳- الذنوب الكبيرة: كباير (ترجمه: گناهان بزرگ.)
- ۴- الذي يقبل التوبة عن عباده: تواب (ترجمه: کسی که از بندگان توبه را می پذیرد.)
- ۵- تسمية الآخرين بالأسماء القبيحة: تباير بالألقاب (ترجمه: نام های زشت به دیگران دادن.)
- ۶- ذكر ما لا يرضي به الآخرون في غيابهم: إغتاب (ترجمه: یادکرد مطلبی در غیاب مردم به گونه ای که دیگران به آن راضی نیستند.)

التمرين الثاني: ترجم هذه الأحاديث النبوية، ثم عين المطلوب منك.

(ترجمه: این حدیث های پیامبر را ترجمه کن؛ سپس آنچه را از تو خواسته شده مشخص کن.)

۱- حُسْنُ الْخَلْقِ نِصْفُ الدِّينِ. رسول الله (المبتدأ و الخبر)

(خوش اخلاقی، نیمی از دین است.) // المبتدأ: حُسْنُ / الخبر: نِصْفُ

۲- مَنْ سَاءَ خَلْقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. رسول الله (المفعول)

(هرکس اخلاقش بد باشد (بد شود)، خودش را عذاب می دهد.) // المفعول: نَفْسُ

۳- إِنَّمَا يُعِثُّ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. رسول الله (الفعل الماضي المجهول و المفعول)

(فقط به خاطر مکارم اخلاق (بزرگواریهای اخلاق) برانگیخته شدم.) // الفعل الماضي المجهول: يُعِثُّ / المفعول: مَكَارِمِ

۴- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. رسول الله (الفعل الماضي و فعل الأمر)

(خدایا؛ همانطور که آفرینشتم را نیکو گردانیدی، اخلاقم را هم نیکو بگردان.) // الفعل الماضي: حَسَنْتَ / فعل الأمر: حَسِّنْ

۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. رسول الله (اسم التفضيل و الجار و المجرور)

(در ترازوی اعمال چیزی سنگین تر از خوش اخلاقی نیست.) // اسم التفضيل: أَثْقَلُ / الجار و المجرور: مِنَ الْخُلُقِ

۱- ساء: بد شد ۲- عذب: عذاب داد ۳- لا تم: تا کامل کنم ۴- حسنت: نیکو گردانیدی ۵- میزان: ترازو؛ ترازوی اعمال

الْمُتَمَرِّينَ الثَّلَاثَةَ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ. (ترجمه: فعل ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.)

| الْمَصْدَرُ | الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ | الْمُضَارِعُ وَالْمُسْتَقْبَلُ | الْمَاضِي |
|----------------------------|-------------------------------|-----------------------------------|------------------------------|
| إِحْسَانٌ: نیکی کردن | أَحْسِنْ: نیکی کن | يُحْسِنُ: نیکی می کند | قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است |
| اقْتِرَابٌ: نزدیک شدن | لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید | يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می شوند | اقْتَرَبَ: نزدیک شد |
| اِنْكَسَارٌ: شکسته شدن | لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو | سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد | اِنْكَسَرَ: شکسته شد |
| اسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن | اسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه | يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می خواهد | اسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست |
| مُسَافَرَةٌ: سفر کردن | لَا تُسَافِرْ: سفر نکن | لَا يُسَافِرُ: سفر نمی کند | سَافَرْتُ: سفر نکردم |
| تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن | تَعَلَّمْ: یاد بگیر | يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند | تَعَلَّمَ: یاد گرفت |
| تَبَادُلٌ: عوض کردن | لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید | تَتَبَادَلُونَ: عوض می کنید | تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید |
| تَعْلِيمٌ: آموزش دادن | عَلِّمْ: آموزش بده | سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد | قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است |

الْمُتَمَرِّينَ الرَّابِعَ: اَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ: (ترجمه: عملیات حسابی زیر را مانند نمونه بنویس.)

۱- عَشْرَةٌ زَائِدَةٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ. $10 + 4 = 14$ (ده بعلاوه چهار برابر چهارده است.)

۲- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَيَّ اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ. $100 \div 2 = 50$ (صد تقسیم بر دو برابر پنجاه می شود.)

۳- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ. $8 \times 3 = 24$ (هشت در سه برابر بیست و چهار می شود.)

۴- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ. $76 - 11 = 65$ (هفتاد و شش منهای یازده برابر شصت و پنج می شود.)

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُؤَنَّةِ. (ترجمه: محل اعرابی برای واژگان رنگی را مشخص کن.)

۱- ﴿ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴾ الفتح: ۲۶ (خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرودرستاد.)

سَكِينَةٌ: مفعول / رَسُولٍ: مجرور به حرف جر

۲- ﴿ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ﴾ البقرة: ۲۸۶ (خداوند هیچ کس را مگر به اندازه توانایشش تکلیف نمی کند.)

اللَّهُ: فاعل / نَفْسًا: مفعول

۳- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَةٌ. (رسول الله) (خاموشی طلا و سخن نقره است.)

الْكَلَامُ: مبتدا / فِضَةٌ: خبر

۴- أَحِبُّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعَهُمْ لِعِبَادِهِ. (رسول الله) (دوست داشتنی ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترین ایشان برای بندگان است.)

أَحِبُّ: مبتدا / عِبَادَ: مضاف الیه / اللَّهُ: مجرور به حرف جر / أَنْفَعَهُمْ: خبر

۵- عِدَاؤُهُ الْعَاقِلُ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. (دشمنی خردمند از دوستی نادان بهتر است.)

عِدَاؤُهُ: مبتدا / خَيْرٌ: خبر / صِدَاقَةُ: مجرور به حرف جر

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ. (ترجمه: ترکیبها و جمله های زیر را ترجمه کن؛ سپس اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم مکان، اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱- رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ (پروردگار مشرق و مغرب.) / اسْمُ الْمَكَانِ: الْمَشْرِقُ، الْمَغْرِبُ

۲- إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. (همانا تو دانای غیبهای.) / اسْمُ الْمُبَالِغَةِ: عَلَّامُ

۳- ... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ. یس: ۵۲ (که ما را از خوابگاهمان برانگیخت. این همان وعده خداوند مهربان است و فرستادگان [خداوند] همه راست گفتند.) / اسْمُ الْمَكَانِ: مَرْقَدٌ / اسْمُ الْمَفْعُولِ: الْمُرْسَلُونَ

۴- يَا مَنْ يُجِبُّ الْمُحْسِنِينَ: (ای کسی که نیکوکاران را دوست داری.) / اسْمُ الْفَاعِلِ: الْمُحْسِنِينَ

۵- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ: (ای مهربانترین مهربانان.) اسْمُ التَّفْضِيلِ: أَرْحَمٌ / اسْمُ الْفَاعِلِ: الرَّاحِمِينَ

۶- يَا سَائِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ: (ای پوشاننده هر عیبی.) / اسْمُ الْفَاعِلِ: سَائِرٌ / اسْمُ الْمَفْعُولِ: مَعْيُوبٌ

۷- يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ: (ای بسیار آمرزنده گناهان.) / اسْمُ الْمُبَالِغَةِ: غَفَّارٌ

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. (ترجمه: کلمه ناهماهنگ را در هر مجموعه مشخص کن.)

۱- صَبَاحٌ (بامداد) □ مَسَاءٌ (شب) □ لَيْلٌ (شب) □ مَيِّتٌ (مرده) ■

۲- عُجْبٌ (خودپسندی) □ لَحْمٌ (گوشت) ■ فُسُوقٌ (الوده شدن به گناه) □ إِثْمٌ (گناه) □

۳- كِبَائِرٌ (گناهان بزرگ) ■ نِسَاءٌ (زنان) □ رِجَالٌ (مردان) □ أَوْلَادٌ (فرزندان) □

۴- سَجَزٌ (مسخره کرد) □ عَابٌ (عیب جویی کرد) □ سَاعَدٌ (کمک کرد) ■ لَمَزَ (عیب گرفت) □

۵- أَحْمَر (قرمز) ■ أَحْسَن (بهتر) □ أَجْمَل (زیباتر) □ أَصْلَح (صالح تر) □

۶- أَصْفَر (زرد) □ أَرْزَق (آبی) □ أَبْيَض (سپید) □ أَكْثَر (بیشتر) ■

التَّمْرِينُ التَّامِنُ: ضَع فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (ترجمه: در جای خالی واژه مناسب را بگذار.)

۱- اشْتَرَيْنَا وَ فَسَاتَيْنَ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمُنْتَجِرِ. سراويل (شلوارها) ■ أَشْهُرًا (ماه ها) □ مَوَاقِفَ (ایستگاه ها) □

(در فروشگاه شلوارها و پیراهن های زنانه را با بهای ارزان خریدیم.)

۲- مَن الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْذَرَ إِلَيْهِمْ. اِغْتَابَ (غیبت کرد) ■ اِتَّقَى (پروا کرد) □ مَدَحَ (ستود) □

(هرکس از مؤمنان غیبت کند پس باید از ایشان پوزش بخواهد.)

۳- حَاوَلَ الْأَعْدَاءُ أَنْ بِنَا وَ يَسْخَرُوا مِنَّا. يَسْتَهْزِئُوا (ریشخند می کنند) ■ يَسْتَسْلِمُوا (دریافت می کنند) □ يَسْتَقْبِلُوا (به پیشواز می روند) □

(دشمنان کوشیدند که به ما را ریشخند زنند.)

۴- أَرَادَ الْمُشْتَرِي السَّعْرَ. نَوَعِيَّةَ (جنس) □ مَنَجَّرَ (مغازه) □ تَخْفِيضَ (تخفیف) ■

(خریدار تخفیف قیمت خواست.)